

مساوات - بنده راجع به دستورم خواستم عرض کنم چندی قبل در مجلس عرض کردم در کمیسیون بودجه هم مذاکره شد که مجلس يك ماده تصویب کند که دولت بدون تعیین محل هیچ خرجی را به مجلس پیشنهاد نکند و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام که صلاح است جزء دستور شود. **رئیس** - آن پیشنهادی که امروز دادید ؟

مساوات - بلی

رئیس - باید بکمیسیون مبتکران بروید. آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - لایحه

راجع به مخارج و مصارف مقابر متبرک مدتی است طبع و توزیع شده دو جلسه در مجلس اعلان شد و مقام ریاست اطلاع داده که آقای مخبر این لایحه را پس گرفته چند شب قبل حضرت والا شاهزاده نصرالدوله اظهار کردند که من لایحه را پس نگرفتم و این مطلب همین قسم معوق مانده است به عقیده بنده این امر باید تصفیہ شود معلوم نیست اشتباه در کجا است ؟ آقای رئیس میفرمایند مخبر لایحه را پس گرفته است و مخبر میگویند من لایحه را پس نگرفتم .

رئیس - آقای مخبر لایحه را پس نگرفتند آقای رئیس کمیسیون پس گرفته **معاون وزارت عدلیه** - راپورت کمیسیون بودجه راجع به چهار هزار تومان مخارج سال گذشته وزارت عدلیه یک مرتبه مطرح شده است و بعد همینطور مانده است تقاضا میکنم برای جلسه آتی به جز دستور شود

رئیس - آقای تدین (اجازه) **تدین** - چون دو ماه پیشتر از اعتبار نفت نمانده است بنده خواستم تقاضا کنم آقایان موافق باشند قانون شورای دولتی این جزء دستور شود

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته شد خیر)

رئیس - باید رأی بگیریم ولی غده کافی نیست. آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده عرضی ندارم و مقصودم همان لایحه شورای دولتی بود که آقای تدین فرمودند (مجلس مقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه هشتم دلو مطابق دهم جمادی الثانی ۱۳۴۱ مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت جلسه یوم پنجم دالورا آقای امیر ناصر قرائت نمودند **رئیس** - صورت جلسه ایرادی ندارد

(اظهاری نشد) لایحه امتیاز نفت جزء دستور است
آقا سید یعقوب بنده عرضی دارم **رئیس** - بفرمائید

آقا سید یعقوب - از روزیکه آقای ملک الشعراء و یکی دوفتر دیگر پیشنهاد کردند که دو ماده نهم و دهم امتیاز نفت برود بکمیسیون و مجلس هم بهمان ترتیب رأی داد (چون من هم یکی از اعضا کمیسیون هستم عرض میکنم) از روز مزبور تاکنون کمیسیون تشکیل نشده است که در آن تجدید نظری شود و آن دو ماده بحال سابق باقی است محض اطلاع خاطر آقایان عرض کردم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - گمان میکنم مذاکره در آن دو ماده که بکمیسیون مراجعه شده بود بيمورد نباشد زیرا حالا شور اول آنست و ممکنست فعلاً مطرح شده آقایان اگر پیشنهادی مائی راجع بآنها دارند بفرمایند بکمیسیون که رفت تجدید نظر شده اصلاح میشود و باهم در شور دوم ممکن است اگر اصلاحاتی لازم داشت بشود

رئیس - آقایان مخالف نیستند که دو ماده جزء دستور شود؟ (اظهاری نشد و ماده نهم قرائت گردید)

ماده ۹ - دولت وساکنین ایران حق خواهند داشت که مقدار نفت تصفیہ شده و تزیینی که برای استعمال و مصرف داخله لازم است (ولی نه برای صدور از ایران) ببنی که حقیقه تمام می شود بعلاوه صدی ده از صاحب امتیاز خریداری نمایند قیمت هر چلیک نفت خارج قسمت مبالغ ذیل خواهد بود بعد چلیک های استخراج شده قیمت حقیقی مزبور عبارت خواهد بود:

(۱) قیمت نفت تصفیہ نشده که عبارتست از مزد عملجات و مخارج سوخت و آماده کردن آن و مخارج تصفیہ و حمل و حاضر کردن آن برای فروش در ایران (ب) - مخارج اداری در ایران (ج) - وجه استهلاك از قرار صدی دوازده و نیم سرمایه مصروفی برای خریداری دستگاهها و وسائل که بجهت تحصیل تصفیہ و حمل نفت حاصله و محصولات آن و حاضر ساختن برای فروش آماده شده است تا وقتیکه سرمایه مصروفی بصدی صد بالغ شود .

(د) رنج سرمایه مصروفی از قرار نرخ سالانه صدی هفت مادام که سرمایه مزبور مستهلك نشده است

تبصره ۱ - مقصود از جمله استعمال و مصرف خصوصی مقدار نفت تصفیہ نشده است که اشخاص یا شرکاء و کمپانی و شرکتها و تأسیسات دیگر در ایران مصرف

می نمایند و بطور کلی مقصود اینست که حاجت سکنه ایران از محصولات مزبوره در صورتیکه موجود شود برآورده گردد مشروط براینکه برای مصرف محلی باشد نه برای صدور یا فروش در خارج از ایران بوسیله دولتی یا اشخاص متفرقه

تبصره ۲ - کلمه چلیک واحد کیل و عبارت از ۴۲ کالان امریکائی است بحارث ۶۰ درجه فارنهایت

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده هر چه فکر کردم علت این مسئله را نفهمیدم که چرا چهار شیئی معدنی را بصاحب امتیاز اجازه داده اند استخراج نماید و برای ایرانیهای آن بیشتر منظور نشده است من فرق این يك قسم را با آن سه قسم دیگر نفهمیدم

مطابق این امتیاز نامه استخراج نفت و قیر و موم و گاز طبیعی بصاحب امتیاز داده می شود و در این ماده مینویسد ساکنین ایران حق دارند فقط نفت را بقیمتی که حقیقتاً تمام می شود

بعلاوه يك عشر بخرند و باین ترتیب معلوم می شود اگر ایرانیها قیر و موم و گاز طبیعی بخواهند بآنها داده نخواهد شد این يك مطلب بود که علت آن را نفهمیدم

مطلب دیگر این است که این رعایت که نسبت بایرانیان در ماده نهم منظور شده باندازه مصرف ایرانیان نفت را بقیمتی که معین شده است بدهند

بعقیده من از دو نقطه نظر بوده یکی اینکه واردات مملکت کم شود دیگر اینکه وقت بقیمت ارزانتری برای آنها تمام شود و باین وضعیکه این ماده نوشته شده است تصور نمیکنم هیچ ایرانی پنجسیر نفت هم تواند خرید زیرا يك ده يك اضافه باید بدهند ما يك صد دوازده و نیم برای استهلاك سرمایه کمپانی ،

مصارف استخراج ما يك صد هفت رنج . . . حاج شیخ اسدالله - پس می فرمائید فقط رامفت بدهند .

شیخ الاسلام - خیر مفت ندهند . ایرانی از کسی چیزی مفت نمی خواهد فقط اگر گول نخورد و بتواند حق خود را حفظ نماید کمال تشکر را خواهد داشت و باین ترتیب گمان نمیکنم جز فرب فائده دیگری برای ایرانیها باشد مگر اینکه یک وقتی کمپانی بگوید من سرمایه خود را بیرون آوردم و آن موقع هم گمان ندارم هیچ وقتی برسد به علاوه هر وقت يك ایرانی میخواهد نفت بخرد برود حساب کند که چقدر خرج شده و چقدر رنج و حق استهلاك می برد ؟

اگر این ماده اینطور تصویب شود نفطشالهم بعینه بحال نفت جنوب خواهد افتاد : نفت جنوب را بصافهانی می آورند ولی هیچکس ذره از آن نمی خزند زیرا گرانتر از تمام نفتهایی بود که از سایر جاها می آمد در صورتیکه این معادن هنگفتی که

ما بکمپانی واگذار میکنیم از نقطه نظر اینست که برای ایرانیها فائده داشته باشد و بعقیده بنده اگر بخواهیم برای ایرانی فائده داشته باشد بهتر این است که قید شود تا موقعی که سرمایه کمپانی مستهلك نشده است نفت را مطابق قیمتی که قبل از جنگ در باد کوبه معمول بوده بایرانیها بدهند .

مسئله دیگر اینکه در تبصره ماده نهم نوشته شده است کمپانی فقط نفت مصرف ایران را می دهد بدیهی است وقتی این نفت بصرفه ایرانیان تمام شود دیگر از تاجر دیگری نخواهند خرید و از هیچ جا هم نفتی وارد نمی شود در اینصورت اگر دولت ایران بخواهد يك کشتی را از بندر بوشهر حرکت دهد یکمشتال نفت ندارد زیرا در این ماده شرط شده که نفت را نباید از ایران خارج کنند فقط باندازه مصرف ایران فقط بایرانی داده خواهد شد فرضا پس از چندی خواستند يك طیاره از ایران حرکت دهند باین ترتیبی که نوشته شد است از سرحد کرمانشاه نمی تواند یکمقدار جلوتر رود عقیده بنده اینست که یکمقدار نفت برای مصارف ضروری دولتی باید معین شود که اگر خواست کشتی یا طیاره از ایران بخارج بفرستد برای او اسباب زحمت نباشد

رئیس آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی . گرچه من کاملاً از وضعیت نفت اطلاع ندارم ولی باندازه فهم خود در موضوع نفت زیاد دقت کردم و در هر ماده هم هر پیشنهادی که برای مملکت با صرفه تر میدانستم تقدیم داشتم ولی در این دو ماده هر چه فکر کردم نتوانستم پیشنهاد اصلاحی تقدیم کنم زیرا اصلاً مقصود این ماده را ندانستم آیا مقصود این است که نفت را مثل سایر مال التجاره ها با تمام مخارج کرایه و کمرک و غیره حساب کنند و فرضاً برای نفع هم يك عشر بر آن اضافه نمایند آنوقت آن را بفروشند بعلاوه همانطور که آقای شیخ الاسلام فرمودند شاید ما احتیاج بموم و غیره هم داشته باشیم تصور میکنم در اینجا سهوی شده باشد و مقصود کلیه مواد نفتی باشد .

مسئله دیگری هم هست که من هر چه فکر میکنم نمی فهمم درین ماده مینویسد قیمت نفت تصفیہ نشده که عبارتست از مزد عملجات و مخارج سوخت و آماده کردن آن و مخارج تصفیہ و حمل و حاضر کردن برای فروش در ایران من تعجب میکنم اینها را برای نفت تصفیہ نشده مینویسد و بعد هم مخارج تصفیہ راجع آن میکند و بعقیده من باید نوشته شود قیمت نفت تصفیہ شده زیرا وقتی مزد عملجات حمل و مخارج تصفیہ راضیمه آن کنیم دیگر نمیتوان گفت نفت تصفیہ نشده و روی هم رفته اشکال من در این است که آن متاعی که

برای فروش حاضر میکنند پس از معلوم کردن تمام مخارج آن و توزیع آن مخارج بر تمام نفت استخراج شده يك كده يك هم بر آن می افزایند و قیمت نفت را باین طریق معین میکنند ؟

آیا این مخارجی که حساب میکنند مخارج سال است یا ماه و آنرا روی نفت استخراج شده آن سال یا آنماه توزیع میکنند .

اگر این ترتیب باشد ممکن است در يك سال نفت زیاد تر استخراج گردد و در سال بعد کمتر و آنوقت تعیین قیمت صحیح برای نفت دشوار و غیر ممکن می نماید بعلاوه قیمت نفت امسال را در سال بعد پس از محاسبه مخارج آن سال و توزیع آن بر نفت مستخرجه باید تعیین نمایند و من این مسائل را ملتفت نشدم .

مسئله دیگر مخارج اداری در ایران است . آیا این مخارج را در هر ماه یا هر سال یا هر روز روی نفت مستخرجه توزیع میکنند ؟

شاید مخارج اداری این ماه با آن ماه یا امسال با سال آتی تفاوت کند . فرضاً پنجسال اداره در ایران تشکیل گردد و در این مدت نفت استخراج نشود آیا تمام مخارج این پنجسال را روی نفت مستخرج سال اول توزیع میکنند ؟ یا آنرا تقسیم می کنند بتمام مدتی که

در امتیاز معین گشته ؟ باز مسئله دیگر : (نوشته وجه استهلاك از قرار صدی دوازده و نیم این وجه استهلاك تمام سرمایه کمپانی است از ابتدا که چاه کنده و چه کرده ؟ تمام مخارج را حساب میکنند و يك صدی هفت برای تمامی این سرمایه رنج می دهند ؟ یا فقط مقصود از وجه استهلاك قیمت ماشین آلاتی است که وارد کرده ؟ فرضاً اگر کمپانی تلفن بکشد یا خط آهن بسازد می خواهد تمام اینها را هم جزء سرمایه آورده یکصدی دوازده و نیم برای کلیه بگیرد ؟ آیا از بابت تمام پولها می خواهد صدی ۷ بابت رنج بگیرد در صورتیکه ماشین آلات هم برای خودش باقی بماند ؟ بعلاوه قیمت ماشین آلات را مطابق خرید امریک حساب خواهد کرد یا بقیمت اینجا ؟ هیچک از این مسائل را من نمی فهمم و روی هم رفته این ماده باین نحو اشکالات زیاد تولید خواهد کرد .

بالا تر از همه ما برای چه صدی هفت تنزیل بدیم در صورتیکه ماشین آلات هم تعلق بخود کمپانی دارد ؟ این مسئله رنج در تمام دنیا معمول و موجب تولید اشکال گردیده و شریعت مطهره ماحق داشته که منع فرمودند .

حالا ما از کمپانی قرضی نمیگیریم که باور بجه بدیم . فرضاً اگر من يك دکان بخرم برای اینکه از آن انتفاع ببرم بایستی پول آن را حساب کنم و تنزیل آنرا از

صدی ده بایرانها بفروشد و مازاد آنرا حمل بخارج نماید .
 قیمت حقیقی مزبور از قرار ذیل است :
 (۱) قیمت نفت تصفیه شده که عبارت است از مزد عملیات و مخارج استخراج و تصفیه و حمل و حاضر کردن آن برای فروش در ایران .

قیمت سه سال عالی ودانی و متوسط قبل از جنگ در باد کوبه بدست آورده قیمت عادلانه متوسطی از سه قیمت بدست آورده بهمان قیمت بدولت و ایرانها برای مصرف داخلی بفروشد .
 (سید فاضل کاشانی)

۱۰ - بنده پیشنهاد مینماید در ماده ۹ آنچه راجع به نفت سیاه است برای ما بهحتاج مملکت ایران باید بترتیب ذیل نسبت قیمت آن معلوم شود :

۱ - مصادف عملجاتی که در موقع استخراج نفت از چاه خرج میشود
 ۲ - مصادف عملجاتی که در موقع کار گذاردن ماشین استخراج نفت خرج شده .

۳ - قیمت ماشین که در چاه استخراج نفت کار گذارده اند
 ۴ - استهلاك مبلغ مصروفی در فتره دوم و سوم بدست سی سال با ربح تصدی پنج

۵ - صدی ده برای منافع کمیانی بر مخارج فوق افزوده قیمت نفت سیاه معین شود . راجع به نفت تسویه شده از طرف دولت و کمیانی متخصصین معین می شوند که بطور عموم و تفصیل میزان را که مخارج تسویه نفت سیاه می شود معین نموده علاوه بر قیمت نفت سیاه که در فوق معین شده بنمایند و همان قیمت معمول باشد رئیس التجار

رئیس - ماددهم میباید برای بعد از تنفس (درین موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت در تحت ریاست آقای مدرس نایب رئیس منعقد گشت)
 نایب رئیس - ماددهم مطرح است (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده دهم - حقوق دولت باید لااقل معادل باشد با صدی شانزده عایدات خالص هر کمیانی و شرکاتی که برای عملیات مختلفه راجع باین امتیاز در هر کجا و از هر قبیل خواه در داخله خواه خارجه تشکیل میشود و هرگاه منافع اضافه بیش از صدی پنجاه از سرمایه مصروفی شود سهم دولت بترتیب ذیل متعادل خواهد شد

(ناظم العلماء)
 (حسن العسینی الکاشانی)
 ۹ - بنده پیشنهاد میکنم که آنچه مصروف دولت و اهالی ایران است از نفت و بنزین و گازهای طبیعی و غیر موم معدنی باید کمیانی با نفع صدی هفت بفروشد و با

چنانچه منافع اضافی بین ۵۰ و ۶۰ درصد از سرمایه مصروفی شود سهم دولت ۱۰ درصد خواهد بود
 » ۶۰ و ۷۰ درصد »
 » ۷۰ و ۸۰ درصد »
 » ۸۰ و ۹۰ درصد »
 » ۹۰ و ۱۰۰ درصد »
 » زیاده بر ۱۰۰ درصد »

تبصره ۱ - (۱) عایدات خالص عبارت از ب - منافع اضافی عبارت است از منافع خالص پس از وضع نفع سرمایه مصروفی بمیزان پانزده درصد و چنانچه در يك سال این پانزده درصد ثلث منافع تأخیر نشده از منافع سال بعد یکجا برداشت و محسوب

(ب) بملاوه دولت حق خواهد داشت که در هیئت مدیره کمیانی در هر حال معادل يك خمس از آراء نماینده داشته باشد و این حق مانع نخواهد بود که دولت ایران بتناسب اسهام خریداری خود و با اتباع ایران نماینده و حق رأی در هیئت مدیره داشته باشد .

نایب رئیس - آقای شیخ الاسلام - اصفهانی .
 (اجازه)
 شیخ الاسلام - آقای آقا شیخ - اسدالله فرمودند مقصود آقای کازرونی ازین اظهارات اینست که همان قسم که پدران ما این ذخائر را برای ما حفظ کرده اند ما هم برای اولادمان و اولادمان هم برای اعیانمان حفظ کنند .

بنده و کالتاً از طرف آقای کازرونی عرض میکنم مقصود ایشان این بوده است بلکه منظور ایشان ازین اظهارات این بود :

همانطوریکه پدران ما از شروع قرن بیستم و قرن ثلاثی این منابع را بدست ماسپرده و برای ما باقی گذارده اند ما نباید درین موقع فریب خورده آن ها را برایگان از دست بدهیم .

البته همه می دانیم آن طور که در زمان سلطنت مرحوم مظفرالدین شاه دامنه لایقیدی درین مملکت توسعه داشته هیچ وقت مبسوط نبوده چه شاه علیل و سراسر مملکت بدست یک نفر صدر اعظم نالایق اداره میشد تا بالاخره شد آنچه شد و باید بشود .

باین حال امتیازی که در زمان مرحوم مظفرالدین شاه داده شد .
 (مکرر عرض کرده امروز هم تکرار میکنم بنده اساساً کاری بنفط جنوب ندارم و امیدوارم آقایان هم وقتی از نفط جنوب صحبت میکنند من باب تمییل باشد نه اقرار بر سمیت)

در آن امتیاز صد شانزده حقوق برای دولت منظور شد و صد سه هم برای خوانین محلی و این روی هم رفته صدوزده می - شود .

در صورتیکه در این امتیاز ما بخواهیم مطلب را بصد شانزده قطع کنیم کار بدست ناصحیح زیرا روزیکه امتیاز نفت جنوب بسته شد و مطلب هم معلوم نبود :

یکی اینکه گمان نمیکند کسی حساب کرده بود که روزی نفط در دنیا تمام خواهد شد و امروز این حساب را کرده اند .

متخصصین و علماء فن تصدیق کرده اند که روزی نفط در دنیا تمام میشود حالا بعضی ۲۴ سال و بعضی ۳۰ سال و بعضی ۹۰ سال بعد را معتقدند .

در حال بنده بیش از ۹۰ سال نشنیدم غرض اینکه امروز این مطلب در دنیا مطرح است و آرزو نبود و تصور

میشود همانطوریکه آب دریاها و اقیانوس ها تمام نمی شود نفط هم در دنیا پایانی ندارد .
 ولی امروز معلوم نیست پنجاه سال بعد که دوره امتیاز این کمیانی منقضی خواهد شد نفط دیگر در ایران وجود داشته باشد .

مطلب دیگری که آن روز هیچ معلوم نبود این بود که تصور نمیشد نفط در دنیا مصرف امروزه را پیدا کند و حآنکه امروزه نفت بهصرف تمام ماشین آلات جنگی و غیر جنگی تمام کشتیها و ادوات ناریه هوایی و زمینی و غیره میرسد و تمام اینها امروزه از نفت متحر کنند و آرزو یک امتیاز نفت جنوب داده شد بنحیک نفت امروز در دنیا مصرف نمیشد

بامعلوم نبودن این دو نکته مهم در امتیاز آرزو صد شعزده قرار دادند پس خیلی جای تعجب است که امروزه هم این ترتیب قرار داده اند پس بنده مخالفم و عقیده دارم در این امر عجله و تسریع لازم نیست و از این حرف هائی هم که گفته

میشود نفت بیشتری ندارد . مطالبی برای معادن پیدا نمیشود : که ما پراست هم نفت بیشتری دارد هم بمانت بدنبالش میا بنده هم با شرایط بهتری این امتیاز را از ما خواهند گرفت عقیده بنده اینست که کمیانی پول بیاورد این معادن را استخراج نماید آنوقت نصف از او و نصف از ما باشد منتهی از باب سرمایه اش هم صد پنج یا صد هفت از ما مانع بگیرد نه اینکه ما باینهم اختیارات خودمان را با او واگذاریم و او بطور گدائی صد شانزده

بما بدهد و صد هشتاد و چهار خودش ببرد انده درس هم خود باز تکرار میکنم کلاماً با این ترتیب مخالفم ما باید خودمان را شریک عدده قرار بدهیم نه يك کمیانی را که اگر پول بما بدهد از ما منفعت میگیرد

نایب رئیس - آقای زنجانی (اجازه)
 آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده مخالفم .
 نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 آقامیرزا علی کازرونی - بنده مخالفم .

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو - بنده میخوام شرحی عرض کنم مبنی بر اینکه این ماده بر گردد بکمسیون زیرا وقتی در کمسیون مذاکره بود یک قسمت این ماده را کمسیون ملتفت نشد و از دولت هم سؤال شد دولت نتوانست جواب گوید حتی بنمایندگان - کمیانی هم مراجعه شد آنها نیز نتوانستند توضیح بدهند بعد تلگرافاتی بامریکاشد و جوابی آمد که جوابش الان نزد من هست آن قسمت راجع بتشخیص منافع خالص بوده و این قسمت دیگر در کمسیون مطرح نشد که مطالعه در آن بشود بملاوه این یکی از

آن موادیست که رئیس مالیه هم نظر خاصی در آن دارد لذا عقیده بنده اینست که این ماده بر گردد بکمسیون تا در توضیحاتی که از امر بکار سپرده است و در اطراف نظر باین رئیس مالیه کلاماً مذاقه شده پس از مطالعه عمیقی ثانیاً بر گردد بمجلس و رأی داده شود والا هر چه مذاکره کنیم چون این دو نفر در خود کمسیون مطرح نشد فائده ندارد

نایب رئیس - محض اطلاع خاطر آقایان عرض میکنم اگر این ماده بر گردد بکمسیون در دخول بشود ثانی نمی توان رأی گرفت دیگر موکول برای - آقایان است . آقای قوام السلطنه (اجازه)

قوام السلطنه - بنده موافقم بعد از يك مخالف عرض خواهم کرد

نایب رئیس - بفرمائید
 قوام السلطنه - تعجید تعجیبیکه آقای شیخ الاسلام می کنند از اینکه پدران ما این ذخائر را برای ما حفظ کرده اند عقیده بنده غیر وارد است بنده گمان میکنم آنها واقف بدانشن ذخائری نبوده اند و اگر می دانستند شاید با شرایط نامناسبتری از دست میدادند و امتیاز را که امروز میخواستیم بشهیم بانهایات دقت و همه نوع ملاحظاتی حاوی الاطراف

است و شرایطش هم موافق صلاح مملکت است .
 اما اینکه می گویند نفت دنیا تمام می شود پس باید معادن خود را نگاه داریم مثل اینست که ما مقداری طلا داشته باشیم و فعلاً با داشتن مخارج و مصادف خیلی لازم و ضروری بخیال اینکه شاید آن طلا يك روز تمام شود امروزه از مصرف کردن و بخرج آوردن آن خودداری کنیم عسرت اقتصادی ما بقدری واضح است که هر چه عرض کنیم توضیح بدیهیات است

اما راجع باین ماده بخصوص می خواستم عرض کنم همان توضیحاتی را که آقای ارباب دادند با اضافه این مطلب که پیشنهاد دولت شامل دو طرز بود یکی این که صدی شانزده از عایدی خالص گرفته شود و دیگری صدی ده از غین نفت .

بنده تصور میکنم اگر درین موضوع اختیارات زیاده تری بدولت داده شود بهتر است زیرا گرفتن صد شانزده از عایدات خالص یا صد ده از غین نفت نظر بمقتضیات وقت است و دولت با مطالعه که در این امر میکند بهتر می تواند تشخیص دهد کدام يك از این دو طرز موافق صلاح و صرفه ماست درین صورت اگر اختیارات بیشتری بدولت داده شود که پس از تحقیق یکی از این دوشق را اختیار کند بهتر و مقرون تر بصرفه است در موقعی که پیشنهاد دولت بکمسیون رسید ابتدا نظر مستشار مالیه را بنده استفسار کردم و پیشنهادی هم که او

داده است همان نظریه دولت را تأیید می نماید یعنی هر دو قسم نوشته شود تا بعد هر کدام که بصرفه نزدیک تر باشد اختیار کنیم .

مخبر - همانطور که آقای قوام السلطنه توضیح دادند بعد از وصول پیشنهاد دولت ابتدا نظر کمسیون این بود که حق دولت را از عایدات خالص حساب کنند و بعد که بمستشار مراجعه شد و بوضوح پیوست که عقیده او هم اینست که دست دولت باز باشد قرار شد پس از برگشت این دو ماده بکمسیون بیشتر در آن مذاقه شده تصحیح و بمجلس تقدیم شود نایب رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - گرچه این اظهارات قدری اشکال مرا رفع کرد و ممکنست دولت مختار باشد که هر يك ازین دو قسم را می خواهد اختیار نماید ولی بعضی چیزها را نمی فهمم :

درین ماده نوشته شده است حق دولت صدی شانزده از عایدات خالص است ناچار مراد از این عبارت اینست که اول کمیانی تمام مخارج استخراج را بر دارد و راجع بمنافع اضافی هم تمام مخارجی که در ظرف سال کرده از منافع امسال موضوع و یکصد پانزده هم از باب سرمایه که تا به حال بصرف رسانده کسر نماید و از بقیه صد شانزده

بما بدهد
 یا اینکه هر چه خرج شده تا زمانیکه نفت استخراج نشده اگر ده سال هم باشد و يك کرور هم مثلاً خرج کرده باشد تا نفط استخراج شده حساب بکنند و توزیع نمایند بهر سال و بعد منافع را حساب می کنند در هر حال بنده مقصود را نفهمیدم علاوه برین مخارج اولیه را توزیعاً هر ساله بر میداریم بعد از شش سال یا هشت سال که تمام سرمایه مستهلكاً از بین رفته دیگر صد پانزده نفع کدام سرمایه است ؟

این را هم در اینجا قید نکردند و مینویسد منافع اضافی عبارتست از منافع خالص پس از وضع نفع سرمایه مصروفی بمیزان پانزده درصد .

مثلاً پس از هشت یا ده سال آن مخارجی را که کرده با منافع آن توزیع نموده و برداشته اند معلوم نیست که صدی پانزده را باز میگیرند یا خیر و فقط مخارج آن سال را موضوع میکنند و باقی جزء عایدات خالص محسوب میشود و صدی شانزده از آن بماند

من اینجا مقصود را نفهمیدم چیست بملاوه عقیده ام اینست که این مخارج و این زحمات را لازم ندارم و از غین نفتی که استخراج میشود حق دولت داده شود بهتر خواهد بود کم یا زیاد حق خودش است نه بخر و نه بصرفه است در موقعی که پیشنهاد دولت بکمسیون رسید ابتدا نظر مستشار مالیه را بنده استفسار کردم و پیشنهادی هم که او

نماید و بعقیده من اگر از غین نفت قرار دهند بهتر است
 نایب رئیس - آقای حائری زاده موافقم ؟

حائری زاده - خیر مخالفم
 نایب رئیس - آقای حاج میرزا مر قاضی - مخالفم
 نایب رئیس - آقای آقا سید فاضل چطور ؟

آقا سید فاضل - مخالفم
 نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب ؟

آقا سید یعقوب - موافقم
 نایب رئیس - بفرمائید
 آقا سید یعقوب - بنده تصدیق دارم که این ماده اصل مواد است زیرا نظر اقتصادی و منافی را که ما باین امتیاز داریم درین ماده است و مسلم است هر چه بیشتر آقایان درین ماده صحبت کنند حق و کالت را ادا کرده اند و هر چه درین ماده دقت شود بنده تصدیق دارم و تصدیق می کنم لیکن آنچه که بنده ازین ماده درک کرده و فهمیدم کمیانی ۳ چیز را متعهد است که به دولت بدهد :

یکی خمس مدیریست که متخصصینی گفتند هر کمیانی دارای پنج مدیر است برای اداره آن کمیانی و ما پس از زحمتی که کمسیون و رئیس دولت آن وقت کشید با سؤال و جواب های زیاد حق داشتن يك مدیری را اخذ کردیم .

آقا سید فاضل - کم است
 آقا سید یعقوب - حالا اگر جناب عالی میل دارید همه مدیر ها از ما باشند که خیلی خوبست و بنده هم میل دارم ولی چنین چیزی نمی شود .

حالا حق داشتن يك مدیر بما داده شده که پنج يك آراء حق ماست .
 بلی اگر ما موفق شویم و اهالی اقدام بکنند که ما بتوانیم پنجاه و يك سهم داشته باشیم حق حکومت و قضاوت در کمیانی با ماست .
 ولی با آن مذاکراتی که در کمسیون کردیم موفق نشدیم بیش از خمس آراء را داشته باشیم دیگر از چیز هائی که با قوام السلطنه صحبت کردیم این بود که در موقع امتیاز نفط جنوب اسهامی بعنوان صدر اعظم و وزیر خارجه داده ولی حالا چون حکومت ایران حکومت ملی است هر چه داده شود مال ملت است و باید در اینجا ما هم این اسهام را به دست آوریم .

این بود قرار شد ۳۰ هزار سهم هم به دولت ایران داده شود حالا سرمایه اولی چقدر است و این ۳۰ هزار سهم نسبت بچند میلیونست ؟
 من در کمسیون مذاکره کردم و به

جوابی که داده شد من قانع نگشتم شاید در شور دوم ترتیبی بشود .
 غرض اینکه نفع دومی که اینجاشامل دولت شد ۳۰ هزار سهم است که مطابق آن ۳۰ هزار سهم منافش به دولت ایران داده می شود که ما شرکت داریم .

یکی دیگر هم در اصل معدنست که ما شریکیم و بنده در این موضوع در کمسیون عرض کردم :
 موافق قانون و شریعت مطهره اسلام حق ما از معدن يك خمس است . حالانکه از متخصصین امریکائی و اروپائی اطلاع ندارم بنده بموجب عقیده خودم گفتم که صد بیست از منافع بما باید داده شود ولی بعضی صحبت کردند که این حق الارض است و باید به يك داده شود

این مذاکرات بین اعضاء کمسیون شد اما راجع باینکه منافع خالص را استخراج کنیم نفش بحال دولت و ملت بیشتر است یا از ما حاصل چاه صد شانزده یا صد هفتد بگیرییم ما باعتبار اینکه علاقمندی با ادارات نداریم یعنی علم انضباط در خیالات ما غلبه دارد بر انضباط ادارات فکر کردیم از خالص هر چه بگیریم بهتر است و گفتیم اگر صد ده از همین بگیریم شاید در موقع حساب سازی کلاه سرما نگذارند و هم بعضی از نقطه نظر عیله طبعی که ما داریم و حوصله نداریم که این نفت را تصفیه کنیم و بعد بفروشیم معتقد بودند که اگر از منافع خالص کمیانی بگیریم بهتر است تا بعد ها که اداراتی تشکیل بدهیم و آن موادی که از چاه حاصل میشود سهم ماست خودمان تصفیه کنیم و بفروشیم حالا آن دو چیز اول محل اتفاق است و کلاً در صد ده صد شانزده و صد بیست باقی است عقیده بنده به صد بیست و بورا اختلافی که فله است در این باب است

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 آقا میرزا علی کازرونی - تمام این موادی که در این امتیاز نوشته شده است در واقع مواد فرعی است و اصل این ماده است و من منتظر بودم موقعیکه این ماده بمجلس می آید بین موافق و مخالف و مخبر حرارتهائی بشود و احساساتی فوق العاده بروز کند .

متأسفانه ندیدم و واقفم از اینکه ندیدم متأسفم و بقدری من این ماده را مهم میدانم که اگر یکماه تمام در اطرافش مذاکره کنیم زیاد نمی دانم و مخصوصاً از آقایان در خواست میکنم از مذاکرات این ماده زود خسته نشوند که بنده افسرده میشوم دقیقه را که بگویند مذاکرات کافی است . این مسئله حیاتی و مهمانی ماست .
 امروز ما مقدار خیلی کمی می توانیم نشان بدهیم که تا چه اندازه حیات ما بسته باین است و من متأسفم که نمی توانم آن اندازه را که در ده سال دیگر می بینم امروز

نشان بدهم بنده تصور میکنم در مقابل بنده یعنی مخاطبین بنده عده آقایان هستند که هیچ محتاج نیستند بنده عرایض خود را تفسیر کنم وحاشیه بروم که مقصود من چه بوده است .

متأسفانه رفیق محترم من آقای حاج شیخ اسدالله از عرایض من سوءاستفاده میکنند وعرایض بنده را بطور دیگر تفسیر می نمایند که خودشان می دانند خلاف مقصود من است .

هیچوقت بنده اراده نداشته ام بگویم همانطور که پدران ما این معادن را زیر زمین برای ما گذاشتند ما هم برای اولاد خود بگذاریم. خودشان هم میدانند من این مقصود را نداشتم ونبایستی از عرض بنده اینطور استفاده کنند

بنده عرض کردم چیزیکه بودیعه برای ما باقی مانده وپدران بزرگوار ما (که) این مملکت را در مقابل تشنجات دنیا توانسته اند تا امروز حفظ کنند واین ودایعش را بما بسپارند) برای ما ذخیره نمایند نباید برایگان از دست بدهیم همانطور که حضرت بزرگوار آقای شیخ الاسلام فرمودند بمقت نباید از کفرها کرد و بنده مکرر در عرایض خود گفته ام که از این معادن باید فرزندان ایران استفاده کنند

ولی با این ترتیب فرزندان ایران استفاده نمیتوانند کرد دلیل من هم همان نفت جنوب است :

از نفت جنوب خانه کی آباد شد؟ کدام شهر بواسطه این عایدی تأسیس شد؟ در یروتوچهل و هشت میلیون لیره عایدات نفت جنوب چه استفاده شد؟ البته يك استخوانش را هم بسوی ما انداختند وبقمه ما را نواختند ولی تمامش حق ماست و از تمامش نباید استفاده کنیم.

بنده نمی دانم در اینجا مذاکراتمانرا بر روی چه اساسی قرار دهیم؛ بر روی صدی ده نفت مستخرجه یا بر روی صد شانزده خالص عایدات؟ هر کدام از این دو موضوع مخالف ومتضاد ومتباین است

باید مشخص شود وبما نشان بدهند که هر عقیده در اطراف هر يك از این صورتها داریم اظهار کنیم:

اگر در روی صد شانزده است عرض میکنم اولین کمپانی که درد دنیا ترقی کرده، منحصر باین کمپانی نیست که نمیخواهد از ما امتیاز نفت بگیرد.

کمپانی درد دنیا بسیار است سرمایه دار هم بسیار است معامله هم رایج است ببینید یکنفر سرمایه دار که می خواهد سرمایه اش را برای استفاده بکسی بدهد چه می کند مسلم است که حق گرفتن رنج بولش را دارد وتمام مقصود سرمایه دار هم همین است که رنجش را بگیرد بعد که گرفت کارخانه می آورد متخصص ومهندس می آورد وبآنها هم روزی می دهد.

در حقیقت نفت مال ماست سرمایه هم مال تنزیل است وخالص عایدات مال ماست حق العملی باید باو بدهیم و این يك مسئله تازه نیست در تمام دنیا رایج است واز آن مسائل عمقی نیست که از متخصص سؤال کنیم از تجار که از صبح تا شام مشغول معامله هستند بپرسید .

کمپانی که پول میدهد تنزیل بولش را می گیرد مواجب مهندس و متخصص هم میگیرد باید صدی ده یا صدی بیست باو حق داد و صدی نود یا صدی هشتاد هم حق ما باشد ولی بنده در اینجا برعکس میکنم و خیال می کردم شاید من اشتباه کرده باشم این خیلی مضحك است : سود بگیرد سرمایه را مستهلك كند ، مخارج اداری تأسیسات داخلی وخارجی خود را هم که برای اینكار تشكيل داده بگیرد تازه از خالص عایدات صدی شانزده بما بدهد و اگر عایداتش از سرمایه فزونی گرفت و صدی پنجاه و صدی صد رسید آنوقت بتدریج برباند تا صدی بیست و پنج برسد !

این چه تقسیم است ؟

آیا عادلانه است ؟

راجع باین هم باید متخصص بیاوریم سؤال کنیم؟ بعقیده من این تقسیم با کمال وضوح غیر عادلانه است .

نفت جنوب صدی شانزده میدهد و صدی سه هم بخوانین ومالکین میدهد که روی هم صدی نوزده میشود .

آنهم در صورتیکه شنیده ام (صدق و كذبش را نمیدانم . خدا اعلم است) وقتی امتیاز نفت جنوب امضاء شد که امضاء کننده مشغول تفریح وتعیش بوده البته اگر بودیم ومیدیدیم چرا شد وچطور شد بهتر میتوانستم توضیح دهم اکنون شب وروز را باید حسرت ببریم که يك سرمایه بزرگ ما را که در سال چهل و هشت میلیون لیره از آن استفاده میشود از دستمان گرفته اند وما باید روز شماری کنیم که کی مدت امتیاز تمام میشود که قسمت خودمان بشود

بهر جهت بنده با صد شانزده بکلی مخالفم و خیلی تعجب دارم وما یلم که آقای مخبر درست توضیح بدهند که صد شانزده برای کمپانی است و صد هشتاد و چهار برای ما یا برعکس ووقتی آقای مخبر توضیح دادند که اولاً ما باید بر روی چه اساسی صحبت کنیم وثانیاً این تقسیم چه قسم است بنده عرایض خود را عرض خواهم کرد .

نایب رئیس - چون خیلی از ظهر گذشته است اگر آقایان اجازه می دهند جلسه را ختم کنیم جلسه آتی به روز سه شنبه و دستور بقیه مذاکرات امروز و اگر وقت باقی ماند لایحه گلسرخ

(جلسه سه ربع بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس مؤتمن الملك